

برابری ادیان از دیدگاه گاندی

عبدالله غلامرضا کاشی

ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۳۳، آذر ۱۳۸۷

چکیده: آقای کاشی در این مقاله اندیشه‌های گاندی را مورد توجه قرار داده و معتقد است: نظریه برابری ادیان گاندی، روایت دیگری است از کثرت‌گرایی دینی، با این ویژگی که علاوه بر وجود یک حس دینی عمیق و خالصانه، متأثر از آسیب‌شناسی وضعیت حال و گذشته مومنان به ادیان گوناگون است؛ و بر آن است تا ضمن فرو نشاندن شور جزمیت اندیشی‌های فرقه‌گرایانه شعور و عقلانیت دین‌داران را مخاطب قرار دهد. گاندی نگرش خود را این‌گونه جمع‌بندی می‌کند: ۱. همه ادیان حقیقی‌اند؛ ۲. در همه ادیان برخی خطاها وجود دارد؛ ۳. در واقع همه ادیان برای من مثل هندوئیسم عزیزند، همان‌طور که تمامی انسان‌ها برای من مثل یکی از خویشاوندان نزدیکم عزیزند.

مهاتما گاندی رهبر نهضت استقلال‌طلبی مردم هندوستان، در مسیر تلاش برای رهایی مردم سرزمین خویش، با طرح نظریه «برابری ادیان» گام‌های مؤثری در جهت ایجاد وحدت و زدودن تفرقه میان مومنان به ادیان گوناگون برداشت. نوشتار حاضر در پی تشریح ویژگی‌های این نظریه، زمینه‌های شکل‌گیری آن در اندیشه گاندی و تفاوت‌های آن با نظریه وحدت متعالی ادیان سنت‌گرایان است.

در خصوص زمینه‌های ذهنی این نظریه می‌توان گفت:

الف) گاندی در خانواده‌ای متدین چشم به جهان گشود. خود وی می‌گوید: مادرم عمیقاً

مذهبی بود و قبل از به جای آوردن نمازهای روزانه به غذا خوردن هم فکر نمی‌کرد. (ب) گاندی طی دوران تحصیل در انگلستان و به مدت بیست سال در آفریقای جنوبی، آگاهی مناسبی نسبت به فرهنگ و آموزه‌های مسلمین، مسیحیان، زرتشتیان و پیروان سایر ادیان کسب کرد.

(ج) مذهب مورد اعتقاد گاندی هندوئیسم بود. در مقایسه با ادیان ابراهیمی، از تسامح و قدرت مدارای بیشتری در مواجهه با ادیان دیگر برخوردار است. از سوی دیگر تلقی گاندی از دین، با آنچه نزد پیروان ادیان ابراهیمی و در متون کلامی و تخصصی وجود دارد، متفاوت بود. او در فهم از دین، صرفاً بر یک سلسله از قواعد و آداب معین و از پیش تعیین شده تکیه نمی‌کرد و می‌گفت: «مقصود من از دین، دین رسمی یا دین متداول نیست. بلکه آن دینی است که شالوده همه ادیان بوده و ما را رو در رو با خالقمان قرار می‌دهد».

(د) به‌رغم اعتقاد کامل به مذهب هندو، گاندی هرگز خود را گرفتار چارچوب‌های غیرعقلانی نمی‌کرد و به صراحت تأکید می‌کرد: «من هر نظریه دینی را که متشبه به عقل نباشد و با اخلاق ناسازگار باشد رد می‌کنم». به قول رومن رولان: «گاندی با ایمانی راسخ، به مذهب ملت خود، یعنی به هندوئیسم معتقد است، لیکن نه مانند عالم دینی که پایبند به متون باشد و نه مانند خشکه مقدسی که چون و چرا نپذیرد و هر سنتی را کورکورانه قبول کند. مذهب او دو ناظر دارد، یکی وجدانش و دیگری عقلش».

نظریه برابری ادیان (Equality of Religions) گاندی با ثنوری وحدت متعالی ادیان (Unity of Religion Transcendental) فریتوف شوان (اندیشمند بنام جریان سنت‌گرایان) قرابت و در عین حال تفاوت‌هایی نیز با آن دارد.

مدعای نظریه وحدت متعالی ادیان و سنت‌گرایان این است که ادیان از دو ساحت ظاهری و باطنی برخوردارند. ساحت ظاهری دین که ناظر به آداب و مناسک و ظهورهای بیرونی دین است، در ادیان مختلف متفاوت است؛ در حالی که ساحت باطنی دین که حاوی گوهر و حقیقت دین است، در همه ادیان یکی بیش نیست. تمامی ادیان تجلی ذات مطلق و ظهورهای گوناگون حق تعالی هستند و به‌رغم تفاوت در زبان، شریعت و عنوان، وحدت جوهری با یکدیگر دارند. سنت‌گرایان از تعبیر وحدت ادیان استفاده می‌کنند و مقصودشان از وحدت تأکید بر یکی بودن ساحت باطنی ادیان است. در حالی که گاندی بدون اشاره به ظاهر و باطن و موشکافی‌های فیلسوفانه، واژه برابری را به کار می‌برد. مضمون سخن گاندی نیز همچنان که

در ادامه این نوشته به آن اشاره خواهد شد، با نظریه سنت‌گرایان از جهاتی مشابهت دارد. در ارتباط با جهات متفاوت این دو نظریه، می‌توان گفت، نظریه وحدت متعالی ادیان، مبتنی بر یک رویکرد عارفانه نسبت به دین می‌باشد و با تکیه بر دیدگاه‌های سنت‌گرایان که عمدتاً گرایش‌های فلسفی و عرفانی دارند، صورت‌بندی شده است؛ در حالی که گاندی به معنای مصطلح کلمه نه فیلسوف است و نه عارف؛ و استدلال‌های او در دفاع از نظریه برابری ادیان، عاری از تعبیر و استدلال‌های فنی و اهل بحث و گفت‌وگو است. از سوی دیگر، مخاطب نظریه وحدت ادیان، همانند بسیاری از نظریات دیگر سنت‌گرایان، نخبگانند و یا کسانی هستند که حداقل از جهت نظری با ادبیات مباحث عقلی و عرفانی آشنایی دارند. ولی گاندی، خطاب به توده‌های مردم سخن می‌گوید و همان‌گونه که در صحنه عمل و مبارزات مردم هند نیز محقق گردید، اقشار فرو دست جامعه نیز به راحتی با فحوای کلام او رابطه برقرار می‌کردند.

و اما شاخصه‌های نظریه برابری ادیان گاندی عبارتند از:

۱. اعتقاد به حقیقت ادیان؛ گاندی به‌رغم نام‌ها و نشان‌های متفاوت ادیان، به حقیقت بنیادین همه آنها باور دارد. به نظر وی همه دین‌ها از سوی خداوند برای مردم فرستاده شده‌اند و وجودشان برای مردم ضروری است. او می‌گوید: «من به حقیقت بنیادین همه ادیان بزرگ جهان، اعتقاد دارم. من باور دارم که تمام آنها از سوی خداوند ارسال شده، و من ایمان دارم که آنها برای مردمی که این دین‌ها برایشان ظهور کرده ضروری بوده است.» این حقیقت بنیادین از دوران جوانی یکی از دغدغه‌های اساسی گاندی بود و بر آن بود تا به نکات برجسته‌ای که در ادیان مختلف در می‌یابد عمل کند. او در یکی از سخنرانی‌های خود می‌گوید: «... و عمل کنم به بهترین نکاتی که در ادیان یافته‌ام. آن دینی که من به آن گرویده‌ام، نه تنها چنین رفتاری را جایز می‌شمارد؛ بلکه مرا ملزم می‌دارد که نکات نیکو را، از هر منبعی نشأت گرفته باشد برگزینم».

۲. برابر بودن ادیان؛ «ادیان مختلف برای من گل‌های زیبای یک باغند، یا شاخه‌های یک درخت با عظمتند.» و «ادیان گوناگون همچون برگ‌های یک درخت‌اند. هیچ دو برگگی شبیه یکدیگر نیستند، در عین حال هیچ دشمنی میان آنها یا میان شاخه‌هایی که این برگ‌ها بر آنها رویده‌اند وجود ندارد. چنین تعبیری نشانگر آن است که اولاً موجودیت و گوناگونی همه دین‌ها امری قابل پذیرش است. ثانیاً دین‌ها همه گل هستند، آن هم گل زیبا، نه خار و خاشاک

و یا علف هرز؛ و به این ترتیب همه اصالت دارند و حاوی ارزش‌های متعالی‌اند. ثالثاً از زمین یک باغ یا بر اندام یک درخت رویده‌اند. پس منشأی واحد دارند و از یک منبع تغذیه می‌شوند. و سرانجام این‌که میان ادیان خصوصتی نیست. به بیان دیگر، درگیری‌ها و مشکلات به نفس دین‌ها باز نمی‌گردد، بلکه از آن دین‌داران است.»

دلیل گانندی برای برابری ادیان، از سویی یکی بودن خداوند است و از سوی دیگر، یکی بودن ذات انسان‌هاست. فکر می‌کنم که در دنیا جز یک دین وجود ندارد، تنها یک دین، و همچنین معتقدم که آن درختی تنومند است که شاخه‌هایی بسیار دارد... و همان‌گونه که شاخه‌ها شیره از منبع واحدی می‌گیرند، همه ادیان نیز جوهر خود را از همان چشمه اخذ می‌کنند که سرچشمه است. اساس دین یکی است، زیرا خدا یکی است و خدا که کامل است، نمی‌تواند شاخه‌های زیاد داشته باشد، بلکه تجزیه‌ناپذیر و وصف‌ناپذیر است.»

از سوی دیگر گانندی القابی مثل هندو، مسیحی یا مسلمان را صرفاً القابی (Label) می‌داند که در حیات دنیوی مطرح‌اند و همه آنها مترادف یکدیگرند. گانندی در این رابطه می‌گوید: «هندو، مسیحی و مسلمان واژگانی هم‌معنی‌اند و من معتقدم در جهان آخرت نه هندو وجود دارد، نه مسیحی و نه مسلمان. بلکه جدای از ادعاها، قضاوت براساس اعمالی که فرد انجام داده، صورت خواهد پذیرفت.»

۳. پرستش یک خدا؛ سخن گانندی این است که به‌رغم وجود تفاوت‌ها، تنها یک خداست که پرستیده می‌شود. زبان‌ها مختلف است، اما مخاطب تنها یکی بیش نیست. «همه دین‌ها از عبادت یک خدا بهره‌مندند، همان پروردگاری که قادر مطلق است.»

۴. نگاه همدلانه به متون مقدس؛ توصیه گانندی آن است که به کتب آسمانی و یا متون مقدس هر دین باید از منظر پیروان آن دین نظر کرد.

«اگر شما قرآن می‌خوانید، باید آن را با نگاه یک مسلمان بخوانید؛ اگر انجیل می‌خوانید باید آن را با نگاه یک مسیحی بخوانید و اگر گیتا می‌خوانید، باید آن را از نگاه یک هندو بخوانید. به این ترتیب چه جایی برای موشکافانه نگاه کردن به جزئیات و سپس استهزاء یک دین باقی می‌ماند.» درک برابری ادیان، از مهم‌ترین ره‌آورد‌های شیوه مواجهه همدلانه با دیگر متون مقدس است.

او در ارتباط با فهم قرآن و دیگر متون مقدس می‌نویسد: «من جداً به هر کلمه‌ای از قرآن یا مطالب موجود در هر کتاب مقدس دیگری که در جهان وجود دارد ایمان دارم. البته کار من

انتقاد کردن به کتاب مقدس ادیان دیگر، یا بیان نقایص آنها نیست. وظیفه من، و امتیاز من به این است که حقایق موجود در ادیان دیگر را علناً اظهار کرده و به آنها عمل نمایم بنابراین، نباید به آنچه در قرآن و یا زندگی پیامبر اسلام ﷺ وجود دارد و من از درک آنها عاجزم، انتقاد کرده و یا آنها را محکوم کنم. و در عین حال می‌کوشم آنها را به کمک نوشته‌های مسلمانان برجسته‌ای که مفسران اسلامند بفهمم».

۵. احترام به ادیان؛ لازمه درک برابری ادیان از منظر گاندی، احترام به معتقدات دیگران است. گاندی در پاسخ به سؤال فردی مسلمان می‌نویسد: «... من به مسلمانان همانند سایر مردم هندوستان به مثابه برادران همخون خود، که دارای حقوق و امتیازات یکسانند احترام می‌گذارم».

۶. مدارا با ادیان؛ گاندی در دفاع از شیوه مدارا این‌گونه استدلال می‌کند که مدارا نه تنها موانع را از میان پیروان ادیان مختلف برمی‌دارد، بلکه این امکان را هم فراهم می‌سازد که افراد درکی عمیق‌تر نسبت به عقاید خود پیدا کنند. گاندی در ارتباط با مدارا می‌گوید: مدارا مرزهای میان حق و باطل و یا خیر و شر را به هم نمی‌ریزد. در مدارا، طبیعی است که اصول ادیان جهان به طور کامل مورد توجه قرار می‌گیرد. تمامی دین‌ها بر اصول مشترکی بنا نهاده شده و از سوی انسان‌های مقدس بزرگی به وجود آمده‌اند».

۷. یکی کردن ادیان؛ اعتقاد به حقانیت و یا کامل‌تر بودن دین خود نسبت به دین‌های دیگر، از شایع‌ترین باورها در میان پیروان ادیان مختلف و به ویژه ادیان ابراهیمی است. گاندی با این ایده عالمان ادیان، که دین خود را در مقایسه با سایر ادیان کامل‌تر می‌دانند، موافق نیست. طبق رأی او «هیچ دینی وجود ندارد که مطلقاً کامل باشد. همه دین‌ها به طور یکسان ناقصند یا کم و بیش کاملند، بنابراین... مسیحیت هم به میزان دین من صحیح و واقعی است. به همین نحو این سخن درباره اسلام، دین زرتشت و یا یهودیت هم صادق است».

گاندی در این زمینه می‌نویسد: «اعتقاد به خدای واحد، سنگ بنای همه دین‌هاست. من لزومی نمی‌بینم زمانی پیش آید که عملاً تنها یک دین روی زمین وجود داشته باشد. از نظر تنوریک وقتی یک خدا وجود دارد، فقط یک دین می‌تواند وجود داشته باشد. اما در عمل، من هیچ دو نفری را نمی‌شناسم که درک یکسان و همانندی از خدا داشته باشند. بنابراین، شاید همواره ادیان مختلف پاسخ به حالت‌ها و شرایط اقلیمی متفاوت باشند. به هر حال من آشکارا

می‌بینم روزگاری خواهد آمد که مردم به عقاید دیگران، طوری می‌نگرند که آنان خودشان به اعتقاداتشان نظر می‌کنند. من فکر می‌کنم ما می‌توانیم وحدت را در کثرت بیابیم».

سخن فرجامین

با توجه به آنچه گذشت، نظریه برابری ادیان گاندی نیز در جای خود روایت دیگری است از کثرت‌گرایی دینی.

● اشاره

سید محسن حسینی

این مقاله هر چند برخی نکات مثبت شخصیت گاندی را منعکس نموده است، ولی مطالبی در آن ذکر شده است که جای بررسی دارد. به این جهت نکاتی بیان می‌شود.

۱. بهره‌وری استدلال‌گرایانه از شیوه مصلحت‌گرایانه

آقای کاشی به خوبی توجه دارد که گاندی با توجه به وضعیت خاص شبه قاره هند و درگیری همیشگی بین پیروان ادیان، از سر مصلحت و برای حل نزاع، طرح برابری ادیان را ارائه نموده است؛ از این رو صحیح نیست که این مصلحت‌اندیشی را به عنوان یک دلیل عقلی و استدلال محکم فلسفی، نشانه حقانیت آن دانست و آن را تأییدی شمرد که واقعاً ادیان برابرند. برای نمونه آیا واقعاً عقل می‌پذیرد که دین ابتدایی هندوها با دین پیشرفته اسلام که جامع‌ترین قانون را برای اداره اجتماع بشری ارائه داده، برابر و یکی باشد؟ اصول دین هندوها عبارت است از اعتقاد و احترام به کتاب‌های باستانی و سنت‌های دینی بر همانان و پرستش خدایانی که به ظهور آنها در دوره‌های قدیم عقیده دارند، اعتقاد به تناسخ و رعایت مقررات طبقات اجتماعی در معاشرت و ازدواج، همچنین احترام به موجودات زنده، (مخصوصاً گاو) از اصول آن دین است. هندوان گاو را مقدس‌ترین حیوان می‌دانند و مجسمه آن را در منازل و معابد و میادین شهرها نصب می‌کنند. خوردن گوشت گاو و استفاده از پوست آن ممنوع است و هنگامی که گاوی می‌میرد آن را با مراسم مذهبی به خاک می‌سپارند. احترام به گاو، به سایر حیوانات (از حشرات تا فیل) نیز گسترش یافته است.

بازتاب اندیشه ۱۰۵

۶۶

برابری ادیان
از دیدگاه
گاندی

نوشیدن ادرار گاو و خوردن سرگین آن برای تبرک و تطهیر درونی معمول است و هندوان گاهی برای تحصیل ادرار گرم و تازه گاو، قابلمه به دست در مراتع دنبال گاوها راه می‌افتند و ساعت‌ها منتظر می‌مانند. مقداری از آن ادرار را می‌نوشند و مقداری را هم به سر و صورت و لباس‌های خود می‌ریزند. برای پاک شدن زن زائو یا کسی که از خاک هندوستان بیرون رفته باشد، مقرر شده است که «پنج‌گویه» یعنی «پنج چیز گاوی» شیر،

ماست، روغن، ادرار و سرگین آن حیوان را بخورد. در برخی موارد، برای تطهیر مکان لازم است گاو را در مدت معین در آنجا نگه دارید تا مقدار کافی از ادرار و سرگینش در آنجا بریزد.^۱ و «همچنین به خدایان متعددی همچون اُگنی (Ayni) = آتش؛ وارونا (Varuna) = آسمان؛ ایسوار (Iisvara) = قادر متعال؛ روژرا (Ruvara) = وحشتناک؛ راما (Rama) = دلپذیر؛ کریشنا (Krishna) = آبی پررنگ؛ اَشوین (A&vin) = آب سوار و همین طور آریاییان هندو به خدایان تثلیث قائلند که عبارت است از: ۱. برهما؛ ۲. شیوا؛ ۳. ویشنو؛»^۲ آیا می‌توان پذیرفت این دین چند خدائی و به دور از ابتدایی‌ترین مسائل بهداشتی با دین اسلام که دقیق‌ترین و پیشرفته‌ترین آموزه‌ها را در تمام عرصه‌ها دارد، برابر است؟ همچنین آن سخن گاندی که می‌گوید: «تمامی ادیان تجلی ذات مطلق و ظهورهای گوناگون حق تعالی می‌باشند.» درست نیست، چون اولاً تجلی حق در ادیان چند خدائی معنی ندارد؟ ثانیاً اگر مراد از خدا، خالق هستی باشد، ادیانی چون بودا به آفریدگار قائل نیست و در اصل آن از خدا و خداپرستی سخنی نگفته است.^۳

ثالثاً تشبیهی که در کلام گاندی آمده و گفته ادیان مانند شاخه‌های مختلف یک درخت است، درست نیست؛ زیرا حتی ادیان آسمانی مانند کتاب‌های دوران مختلف تحصیل یک محصل است که از دوران ابتدایی شروع می‌شود و به دانشگاه ختم می‌شود. که در عین حال که در اصول اولیه اشتراک دارند، از نظر نقص و تکامل هرگز قابل مقایسه نیستند (تا چه رسد به برابری) و با یک مثال نمی‌توان واقعیت خارجی تفاوت‌های اساسی ادیان را انکار کرد.

۲. تناقض‌ها و خلاف واقعیت‌ها

در این نوشتار، تناقضات و انکار واقعیت‌های فراوان وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) عقلانیت یا خلاف آن؛ آقای کاشی می‌نویسد: «به‌رغم اعتقاد کامل به مذهب هندو، گاندی هرگز خود را گرفتار چارچوب‌های غیر عقلانی نمی‌کرد و به صراحت تأکید می‌کرد: من هر نظریه دینی را که متشبه به عقل نباشد و با اخلاق ناسازگار باشد رد می‌کنم.» صدر و ذیل این عبارت با هم سازگاری ندارد، چرا که اگر گاندی اعتقاد کامل به مذهب هندو دارد، دیگر عقلانی بودن معنی ندارد؛ چون مسائل فراوانی مانند چند خدائی، گاوپرستی و ادرار گاو خوری و... در مذهب هندو وجود دارد که خلاف عقل است و فرض این است که ایشان اعتقاد کامل به مذهب هندو دارد. گذشته از این، همین نویسنده که در این جا ادعا دارد فکر

بازتاب اندیشه ۱۰۵
برابری ادیان
از دیدگاه
گاندی

۱. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ الاهی، قم، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۸۱، ص ۲۸.

۲. همان، ص ۱۹.

گاندی عقلانی است، در جای دیگر می‌گوید: «استدلال‌های او در دفاع از نظریه برابری ادیان، عاری از تعابیر و استدلال‌های فنی و اهل بحث و گفت‌وگو است».

ب) تمام ادیان از طرف خداست؟ نویسنده می‌گوید به نظر گاندی «همه دین‌ها از سوی خداوند برای مردم فرستاده شده‌اند.» این ادعا نادرست است، چرا که همه می‌دانند ادیان به آسمانی و غیر آسمانی تقسیم می‌شود و خود هندوها نیز می‌گویند آیین هندو، تحول‌یافته‌ای از آیین برهمنی است که در قرن‌های هشتم و نهم میلادی به دست دو تن از دانشمندان هندوستان پدید آمده است.^۱

ج) نگاه همدلانه به متون مقدس ممکن است؟ نویسنده می‌گوید: «طبق توصیه گاندی، باید هر کس تعالیم دین دیگری را همدلانه و از نگاه مؤمنان به همان دین و بدون مقایسه با باورهای دینی خودش بررسی کند... اگر شما قرآن می‌خوانید باید آن را با نگاه یک مسلمان بخوانید؛ اگر انجیل می‌خوانید باید آن را با نگاه یک مسیحی بخوانید و اگر گیتا می‌خوانید باید آن را از نگاه یک هندو بخوانید...» لازمه این سخن، این است که حتی برابری مصلحت‌گرایانه ادیان نیز تحقق نیابد، چرا که وقتی من قرآن را می‌خوانم او می‌گوید، غیر از دین مسیح و یهود و زرتشت، مابقی ادیان اختراع بشر است و ادیان آسمانی قبلی چون مسیحیت و... نیز نسخ شده‌اند، درحالی‌که دین مسیح ﷺ می‌گوید (البته بنابر تحریف‌های انجام شده، نه متن اصلی دین) دین اسلام اصلاً دین آسمانی نیست، با چنین وضعیتی چگونه می‌توانند دین‌ها، دید برابر و حتی مصلحت‌گرایانه داشته باشند؟ به بیان دیگر، لازمه نگاه به هر دین از ناحیه متدینان آن دین، نفی ادیان دیگر است نه برابری ادیان علاوه بر آن‌که این سخن (نگاه همدلانه) با سخن بعدی که می‌گوید: «گاندی ارزش‌های موجود در ادیان را انتخاب کرده و طبق آن‌ها عمل می‌کند»، چگونه سازگاری دارد؟ چرا که این جمله معنی‌اش صرفاً عمل کردن و احترام نهادن به بخش‌های ارزشی یک دین است. از این گذشته، این سخن ایشان که «من جداً به هر کلمه‌ای از قرآن یا مطالب موجود در هر کتاب مقدس دیگری که در جهان وجود دارد ایمان دارم.» چگونه با این سخن که به مذهب هندو کاملاً اعتقاد دارم، سازگاری دارد؟ قرآن اصلاً وجود مذهب هندو را نفی می‌کند، آنگاه ایشان چگونه هم به قرآن و هم به مذهب هندو ایمان دارد؟

د) دین کامل فقط نزد خداست؟ آقای کاشی از گاندی نقل می‌کند که «اساساً دین کامل در اختیار بشر نیست. هیچ دینی وجود ندارد که مطلقاً کامل باشد... دین کامل حقیقی وجود دارد، اما فقط نزد خداست. و به مجرد این‌که دین در اختیار بشر قرار گیرد و در ظرف زبان ریخته می‌شود، نقصان پیدا می‌کند... چون دین از طریق فردی از افراد انسان دریافت می‌شود و سپس به دست دیگران می‌رسد... هیچ‌گاه دین کامل بدون واسطه در اختیار هیچ

بازتاب اندیشه ۱۰۵
۶۸
برابری ادیان
از دیدگاه
گاندی

فردی قرار نمی‌گیرد...» گاندی که با مکتب اسلام و قرآن آشنا نبوده، ممکن است این حرف را مطرح کند، ولی جای شگفتی دارد که نویسنده هیچ اشاره‌ای نکرده است که اسلام، دین کاملی است که بدون کم و زیاد در اختیار بشر قرار گرفته است به هر حال باید گفت سخن گاندی درباره ادیان ابتدایی و دین هندو و امثال آن، صادق است؛ چون ساخته دست بشر است و درباره دین مسیحیت و یهودیت و زرتشت موجود که تحریف شده است نیز صادق است. ولی در مورد اسلام، هرگز مورد ندارد؛ چرا که قرآن بدون حتی یک حرف کم و زیاد توسط جبرئیل امین علیه السلام که معصوم است، در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله که او نیز معصوم است قرار گرفته است و آن حضرت نیز آن را بدون هیچ کم و زیادی در مجموعه‌ای جمع‌آوری نموده و در اختیار بشر قرار داده است و آنگاه توسط امامان معصوم علیهم السلام و شخص پیامبر صلی الله علیه و آله تفسیر شده است. قرآن که بدون کم و کاست در اختیار بشر قرار گرفته است، ادعا دارد که کامل‌ترین دین است و از همه خواسته اگر قبول ندارند، مثل آن را یا ده سوره و یا لاقول یک سوره مانند آن را بیاورند. ولی ادیان دیگر هیچ کدام نه چنان ادعایی را دارند و نه واقعاً کاملند.

ه) دین واحد در آینده؛ نویسنده از زبان گاندی سخنی را نقل می‌کند که مستلزم انکار مصلح جهانی و منجی بشریت است. وی می‌گوید: گاندی ضرورتی نمی‌بیند حتی در آینده هم، دین‌ها مبدل به یک دین شوند، زیرا انسان‌ها تحت شرایط زمانی و مکانی متفاوت، فهم‌ها و نیازهای متفاوتی دارند. این سخن برخلاف ضرورت تمام ادیانی است که قائل به منجی جهانی هستند و می‌گویند این منجی، دین واحدی را در تمام هستی حاکم خواهد کرد. این امر حتی از دیدگاه دین هندو که ساخته بشر است نیز مسلم است. به جملاتی از کتاب‌های هندو در این زمینه توجه شود:

۱. در کتاب شکمونی هندوها می‌خوانیم: «پادشاهی و حکومت بر دنیا، به فرزند سیدخلایق «پیشین» تمام شود، او کسی است که بر کوه‌های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان، کارکنان او باشند و جن و انس در خدمت او شوند. از کشور سودان که زیر خط استواست، تا ارض تسعین، که زیر قطب شمالی است و ماوراء بحار را صاحب شود. دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد و نام او «قائم» و خداشناس باشد»^۱.

۲. در کتاب دیگری به نام دید آمده است: «پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخر زمان پیدا شود که پیشوای خلیق باشد؛ و نام او «منصور» باشد و تمام عالم را بگیرد و به آئین خود (در) آورد»^۲.

۱. موسوی، سیدرحمت‌الله، منجی حقیقی، قم، دارالتفسیر، ۱۳۸۵، ص ۱۸.
 ۲. مکارم شیرازی، ناصر، مهدی انقلابی بزرگه قم، مطبوعاتی هدف، ص ۵۴.

۳. در کتاب ۵۵۰۰۰۰ از کتب مقدسه بر همائیان آمده است: «دست حق در آید و جانشین آخر «ممتاطاً» ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد، همه جا و خلایق را هدایت کند».^۱

۴. در کتاب باسک از کتاب هندوها آمده است: «و دنیا تمام نشود به پادشاه عادل در آخر زمان که پیشوای فرشتگان و پریان و آدمیان باشد؛ و راستی حق با او باشد و آنچه در دریا و زمین‌ها و کوه‌ها پنهان باشد، همه را به دست آورد، و از آسمان و زمین آنچه باشد خبر می‌دهد، و از او بزرگ‌تر کسی به دنیا نیاید».^۲

سخنان فوق به صراحت اعلام می‌دارد که در آخر الزمان، دین خدا یک دین شود.



بازتاب اندیشه ۱۰۵
 ۷۰
 برای ادیان
 از دیدگاه
 گاندی

۲. همان.

۱. همان.